

حربه اعدام را باید از دست جمهوری اسلامی گرفت!

حکم اعدام حبیب لطیفی که برای روز یکشنبه ۵ دیماه اعلام شده بود با اعتراض گسترده خانواده و دوستان حبیب و زنان و مردان آزادیخواه سنندج و حمایت کارگران و همراه با اعتراض مجامع و نهادها و شخصیت های مترقی داخل و خارج کشور به تعویق افتاد. اما همچنان سایه شوم اعدام بر سر حبیب و دیگر محکومین به اعدام که متعاقبا جمهوری اسلامی اعلام کرده باقی مانده است.

در همین مدت کوتاه، در تاریخ دوشنبه ۲۹ آذر، ۱۱ نفر در زندان زاهدان و متعاقبا دو نفر به اسامی علی صارمی و علی اکبر سیادت در زندان اوین اعدام شدند. همچنین و همزمان با اعلام تصمیم رژیم به اجرای حکم اعدام حبیب، احکام اعدام دیگری از جمله حبیب گلپری پور، زانیار و لقمان در کردستان ابلاغ شده است. به این ترتیب حربه اعدام و کشتار و انتقامجویی های جمهوری اسلامی هیچ حد و مرزی نمی شناسد.

اعدام و کشتار انسان از جانب رژیم، ملیت و جنس و یا منطقه خاصی نمی شناسد. جمهوری اسلامی، رژیم سرمایه داران و طبقات دارا و دشمن طبقه کارگر و میلیون ها زن و مرد و جوان آزادیخواه در سراسر ایران است. به همین دلیل، مبارزه برای لغو اعدام، به هیچ مرز منطقه ای و یا ملی و قومی محدود نمی شود. لغو اعدام بدون یک مبارزه سراسری و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ایران امکان پذیر نیست.

اعتراض مردم مبارز سنندج و خانواده های اعدام شدگان و زندانیان سیاسی و زنان و مردان آزادیخواه، از جمله آن تلاش های انسانی است که باید در سراسر ایران تکرار و تکثیر شود.



حذف یارانه ها

تحلیل عقب نشینی دیگر به طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه

مظفر محمدی

با حذف یارانه (سویسید)ها، مبارزه طبقاتی در ایران وارد مرحله جدیدی شده است. تحلیلگران اقتصادی دولتی و در اپوزیسیون داخل و خارج کشور، اولین مرحله اجرای حذف یارانه ها را موفقیت آمیز و حتی معجزه آسا نامیدند.

دولت و لشکر تحلیلگران بورژوازی، مدت ها است جامعه ایران را در تب و تاب قانونی به نام "هدفمند کردن یارانه ها" نگه داشته اند.

طرح تحول اقتصادی، اجرای اصل ۴۴ و خصوصی سازی ها، گسترش رقابت در بخش خصوصی، آزاد سازی قیمت ها، اصلاح قیمت ها، شوک تراپی، و یا اتخاذ هرسیاستی در رابطه با قانون حذف یارانه ها، این سیاست اقتصادی و شناخته شده بورژوازی، از زاویه منفعت طبقه کارگر، جز یک اقدام سرمایه دارانه و برای کسب سود بیشتر و کار ارزان تر معنی نداشته و ندارد. این تعرض آشکار به سفره طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را با هیچ تحلیل و تفسیر کارشناسانه ای، نمی توان توجیه کرد.

همه تحلیلگران بدبین و خوشبین بورژوازی بسیج شدند تا به چشم طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه خاک بپاشند و توجه و مبارزه شان را از مجرای واقعی و طبقاتی اش منحرف کنند.

بورژوازی، خزیده و با احتیاط، اما بدون شک و تردید این سیاست را اجرا کرد. یارانه ها حذف شدند. خون از دماغ کسی نریخت. کسی به خیابان نیامد.

ص ۳

اطلاعیه شماره ۴

کارگران!

مردم آزادیخواه کردستان!

توطئه سکوت و ظفره رفتن جمهوری اسلامی در مورد لغو حکم اعدام حبیب الله لطفی را باید جدی گرفت!

رژیم نه تنها در این مورد جواب صریح و روشن به خواست شما مبنی بر لغو اعدام حبیب و آزادی دستگیر شدگان را نداده، بلکه در کمال بی شرمی حکم اعدام حبیب گل پری پور را هم صادر کرده است. به این وسیله می خواهند بگویند که ماشین جنایت اعدام را متوقف نخواهند کرد. ابلاغ حکم اعدام دیگری و هم زمان اعدام علی صارمی و علی اکبر سیادت، به اتهامات واهی، دهن کجی به خواست میلیونی کارگران و آزادیخواهان در سراسر ایران است. جمهوری اسلامی باید تاوان این جنایاتش را پس بدهد.

ما تا لغو حکم اعدام حبیب لطفی و هر محکوم به اعدام دیگری از پای نمی ایستیم! جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعاتش باید بدانند که اگر توطئه اعدام را به اجرا در بیاورد، با مبارزات یک پارچه و اعتصاب عمومی در همه شهرهای کردستان روبرو خواهد شد. کارگران و زنان و مردان آزادیخواه در همه شهرهای کردستان توطئه سکوت و وقت خریدن جمهوری اسلامی را به این رژیم نخواهند بخشید و اعدام دیگری را تحمل نخواهند کرد.

ما همگی به وعده و ترفندهای این رژیم آگاهیم. رژیم و وزارت اطلاعات و دستگاه های سرکوبش در صورتی که خواست لغو حکم اعدام ها و آزادی همه دستگیر شدگان شهر سنندج را اجرا نکند، با اعتراضات گسترده تر در همه شهرهای کردستان و نهایتا با اعتصاب عمومی روبرو خواهد شد. انتظار و اضطراب چوبه های دار و پشت میله های زندان و دهن کجی جنایتکاران، جان را به لب میلیون ها انسان زن و مرد و کودک آرزومند آزادی و امنیت و حرمت انسانی، رسانده است. ادامه این شرایط غیر قابل تحمل است!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۸ دی ماه ۸۹ (۱۱ دسامبر ۲۰۱۰)



این عقب نشینی مسولین قضایی و اداره زندان های استان کردستان یک موفقیت است. تلاش های انسانی در این زمینه قابل ستایش و تقدیر است. از این مبارزه باید درس گرفت و در جهت تکثیر و تداوم آن تا لغو اعدام در سراسر ایران تلاش نمود.

این وظیفه طبقه کارگر آگاه و همه زنان و مردان و جوانان آزادیخواه و همه کسانی است که خواهان آزادی و امنیت و حرمت انسانی اند. برای میلیون ها شهروند جامعه ما این بربریت غیر قابل تحمل است. مردم از خبر روزمره اعدام و کشتار انسان به بهانه های مختلف، بزار و منتفر و به ستوه آمده اند. حاکمیت سیاه مشتی جلا و جنایتکار و نمایندگان حریص سود و سرمایه، بر ده ها میلیون انسان کارگر و زحمتکش مدافع و خواهان و آرزومند زندگی آزاد و شاد و مرفه و متمدنانه، غیر قابل قبول است.

به این سیکل جنایت و کشتار باید خاتمه داد. اعدام، این شیوه جنایت و قتل عمد و انتقامجویی وحشیانه، باید یک بار و برای همیشه لغو گردد. دستگاه های اطلاعاتی و قضایی و قانونگذاری و اجرایی رژیم خود مجرم اند و این طبقه کارگر استثمار شده و برده کار ارزان و زنان اسیر آپارتاید جنسی و جوانان محروم از شادی و خوشبختی و رفاه اند که باید کل این سیستم جنایتکارانه را در دادگاه های عادلانه و منصفانه و انسانی شان محاکمه و مجازات کنند. دادگاه هایی که برای این نمایندگان ستم و استثمار و تبعیض و بربریت و کشتار، حکم اعدام صادر خواهد کرد.

در سیستم و قوانین حاکمیت کارگران، اعدام به هر بهانه، اعدام مخالفین، قانون

قصاص و انتقام و تحریک انسان ها به انتقامجویی از همدیگر در صورت وقوع جرم و حتی جنایت، جایی ندارد.

طبقه کارگر و همه زنان و مردان و جوانان تشنه آزادی و برابری ایران شایسته ایجاد چنین جامعه ای هستند. تلاش و مبارزه برای لغو اعدام، جزئی از تلاش طبقه کارگر و مردم در جهت بنیاد چنین جامعه ای است.

اعدام، همچون ترور و زندان و شکنجه و سرکوب و قوانین کار و خانواده و اسلام و شریعت، حربه ای است در دست حاکمان سرمایه برای حفظ نظام و سیستم سرمایه داری و بازار و سود سرمایه هایشان. حربه ای است برای ارباب و علیه طبقه کارگر و همه زحمتکشان و حقوق بگیران جامعه. این حربه جرم و جنایت و قتل عمد را باید از دست جنایتکاران جمهوری اسلامی گرفت.

نجات جان حبیب لطیفی و دیگر محکومان به اعدام، در گرو اعتراض سراسری و مبارزه بی امان و بی اما و اگر از جانب طبقه کارگر و همه انسان های آزادیخواه نه تنها در شهر سنندج و دیگر شهرهای کردستان، بلکه در همه ابعاد جامعه از کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محله است. این پتانسیل مبارزاتی و اعتراضی در جامعه و در میان کارگران و زنان و مردان و جوانان، علیه جمهوری اسلامی و کل قوانین ضدانسانی آن، وجود دارد.

کارگران و زحمتکشان کردستان تجربه مبارزه و اعتصاب عمومی سراسری علیه جنایات جمهوری اسلامی را دارند. و این تجربه ای است که هر زمان لازم شد باز

و باز به آن دست خواهند برد. جمهوری اسلامی در مقابل این موج اعتراض و مبارزه و تنفر از سیستم سرکوبگرانه و اعدام و قصاص و انتقامجویی هایش هیچ چاره و گریزی ندارد. یکی باید در این راه پیروز شود. با تحمیل لغو اعدام به جمهوری اسلامی این پیروزی باید نصیب کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان در سراسر ایران بشود.

شانس بقای جمهوری اسلامی در تداوم کشتار و سرکوب و ایجاد رعب و وحشت و ایجاد تفرقه میان مردم با قوانین اسلامی و شرعی و قصاص و غیره است. و در مقابل، شانس بقا و زندگی آزاد و مرفه و شاد و حفظ حرمت انسانی شهروندان جامعه هم، در گرو لغو این قوانین و از جمله قانون کثیف و ضد انسانی اعدام است.

هم اکنون تعدادی از مبارزین و معترضین به اعدام و از جمله حکم اعدام حبیب لطیفی، در شهر سنندج، در پشت میله های زندان اند. این انسان ها باید فوراً آزاد شوند. احکام اعدام همه محکومین در سراسر ایران باید لغو گردد. این حکم طبقه کارگر و همه زنان و مردان آزادیخواه در سراسر ایران است. جنایتکاران جمهوری اسلامی باید در مقابل این خواست تسلیم شوند. باید این خواست را به زور مبارزه و اعتراض و اعتصاب عمومی به کرسی نشاند.

مظفر محمدی
دی ماه ۸۹

اعتراض به قانون ممنوعیت تظاهرات در منطقه کردستان عراق

بنا به اخبار رسیده از شهر سلیمانیه کردستان عراق، روز ۲۷ آذر ۸۹ (۱۸ دسامبر ۲۰۱۰) تظاهراتی در این شهر به اعتراض به قانون ممنوعیت تظاهرات در منطقه کردستان عراق، برپا شد. تظاهر کنندگان در میدان مرکزی شهر تجمع کرده و مطالبات شان را مبنی بر لغو این قانون مطرح کردند. تظاهر کنندگان در شعارهای خود اعلام کردند، "آزادی تظاهرات حق همگان است"، "ممنوعیت تظاهرات و تجمع تهدیدی است علیه همه مردم" ...

در این تجمع، شخصیت هایی از حزب کمونیست کارگری کردستان عراق و شرکت کنندگان در تظاهرات برای مردم سخنرانی کردند و بیانیه حزب در محکومیت ممنوعیت تظاهرات خوانده شد. همزمان در نقاطی از شهر پلاکاد های بزرگی با مضمون، "آزادی تظاهرات حق ابتدایی مردم است و نباید ممنوع شود"، نصب گردید.

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

حذف یارانه ها ...

گفتند این روندی است که سرمایه داری در همه دنیا طی کرده و اجتناب ناپذیر است و بنا بر این راه گریزی نیست و باید همه خود را با آن دمساز کنند و وفق دهند. گفتند نگران نباشید پول "یارانه نقدی" در حسابتان هست و این نقدینه تا ظهور اما مهدی به حساب ها ریخته خواهد شد.

امام مهدی ای ظهور نخواهد کرد. اما امام سرمایه با چشم انداز "تحول اقتصادی" و سود چند برابر، کار ارزان تر و بیکاری بیشتر و بازار آزاد قیمت ها، ظهور کرده است.

سال ها است، زمان و ساعت اعلام اجرای سیاست حذف یارانه ها آب را از لب و لوجه سرمایه داران بزرگ دولتی و خصوصی اویزان می کرد. بالاخره در یک روز آفتابی این آرزو توسط یک نماینده ظاهر نالایق، اما در عمل مصمم بورژوازی برآورده شد.

طبقه کارگر ایران، هم به دلیل عدم اتحاد و تشکل طبقاتی قدرتمند و هم آگاهی محدود از مبارزه طبقاتی، نتوانست در مقابل این تعرض ایستادگی کند.

عوامفریبی دولت احمدی نژاد با پرداخت "یارانه نقدی" به حساب ها و وعده های تحلیلیگران و مفسران بورژوازی که گفتند، این سیاست لازمه تحول اقتصادی و رونق سرمایه و بازار و در نتیجه اشتغال و رفاه برای کارگران است نیز، بخشی از طبقه کارگر را به این توهم دچار کرد که شاید این هم یک مفری است. پرداخت یارانه نقدی به جای حذف یارانه ها علیرغم اینکه آشکارا نصف یارانه های قبلی اعلام شد، اما در همین حد هم کلاه گشادی است که بر سر کارگران و زحمتکشان جامعه گذاشته شده است.

این توهم و فریب و ناآگاهی را حتی از زبان بعضی از فعالین و رهبران تشکل های کارگری شاهد بودیم که گفته شد، حذف سوبسیدها اجتناب ناپذیر است و این باعث رونق سرمایه و در نتیجه موجب رونق مزد و اشتغال کارگران هم خواهد بود. و شنیدیم که گفته شد در دولت احمدی نژاد دستمزدها بالا رفته و حذف یارانه ها مساله کارگران نیست بلکه مساله این است که این سیاست چگونه اجرا می شود! این طنز تلخ تاریخی در جنبش طبقه کارگر ثبت شد که از زبان کارگر گفته شود، نباید نگران حذف یارانه ها شد، بلکه باید نگران اجرای کارشناسانه آن باشیم!

از نگاه طبقه کارگر آگاه، حفظ و دفاع از هر دستاوردی از جمله یارانه ها، امری بی برو برگرد است. طبقه کارگر اگر زورش می رسید می بایست با چنگ و دندان از سوبسیدها و از قیمت ارزان تر مایحتاج ضروری زندگی، از جمله نان،

آب، برق، سوخت و دیگر نیازهای حیاتی اش دفاع می کرد.

طبقه کارگر اگر زورش می رسید در مقابل سپردن سرنوشت خود و خانواده هایش به دست بازار آزاد قیمت ها و گرانی و تورم ۶۰ درصدی که پیشبینی می شود و در نتیجه زندگی فقیرانه تر، می ایستاد.

نه اجرای اصل ۴۴ و خصوصی کردن ها و نه طرح تحول اقتصادی، نه رونق یابی رونقی سرمایه و بازار و صادرات و واردات، هیچ کدام صورت مساله طبقه کارگر نبوده و نیست. مزدگیران سرمایه خصوصی یا دولتی، مزدگیران دوران رونق یا رکود، حداقل خواستشان، افزایش مدام دستمزد ها به نسبت نیاز خانواده های کارگری و به نسبت تورم است.

دولت سرمایه داران خصوصی یا دولتی، دولت سرمایه داران سر حال یا ورشکسته، وارد کننده یا صادر کننده، بانکداران و اتحادیه های سرمایه داران و ...، هر سیاسی اتخاذ کنند یا نکنند، بیشتر وارد کنند و کم تر صادر و یا بالعکس، اما در مقابل سرنوشت و کار و شغل و مزد و رفاهیات طبقه کارگر و خانواده اش مسوول اند و باید جوابگو باشند.

دولت سرمایه داران سوبسیدها را حذف و قیمت ها را آزاد اعلام کرده است. با حذف یارانه ها از کارگران و خانواده های کارگری و زحمتکشان جامعه می گیرند و به سرمایه داران و صاحبان شرکت ها و صنایع، سوبسید می دهند. گفتند واردات بی رویه است و گفتند از آنجا که منافع کارگران و صاحبان سرمایه، یکی است بنا بر این سیاست واردات ارزان، منافع سرمایه دار داخلی و کارگر را هر دو به خطر انداخته است...!

با این ترندها حتی بخشهایی از کارگران را برای نجات شغل و در واقع نجات کارفرمای خودی که تولیداتش نمی تواند در مقابل واردات ارزان رقابت کند، به میدان موافقت و یا مخالفت با خصوصی سازی و واردات و غیره کشانند.

اما سوال و صورت مساله اصلی که روی میز طبقه کارگر آگاه قرار داشته و دارد این است که این طبقه کجای این سیاست ها و معادلات بورژوازی ایستاده و می ایستد.

طبقه کارگر ممکن است در این معادلات به بازی گرفته شده، به میدان رقابت های بورژوازی کشانده شده و یا تماشاچی و منتظر تعیین سرنوشت خود در چنبره این سیاست ها و قوانین سرمایه دارانه نگه داشته شود.

از نگاه طبقه کارگر آگاه، هر اتفاقی در آن یالا می افتد، یک مساله مبنا و اصل بی برو برگرد است. و آن این است که هیچ سیاستی در جبهه بورژوازی به نفع طبقه کارگر تدوین و اجرا نمی شود.

آب و برق و نان و سوخت ارزان تر، تا کنون هدیه بورژوازی به طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه نبوده است. سال ها است بورژوازی نقشه می کشد که از زیر این بار شانه خالی کند و با حذف سوبسیدها، کالاها و خدمات را به مردم به بالا ترین قیمت و با بیشترین سود بفروشد. و این نیاز سرمایه داری در غرب و شرق تا بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است. سیاستی که همگی با آن توافق دارند و همگی حول آن با هم متحدند.

بورژوازی ایران بیش از دو دهه است با زعامت رفسنجانی و خاتمی و اکنون احمدی نژاد تلاش می کنند که قیمت ها را از قید و بند سوبسید آزاد کنند. سال ها است خواب امروز را می بینند، اما جرات دست زدن به این اقدام را پیدا نمی کردند. چطور شد این قرعه به نام احمدی نژاد افتاد؟ کدام بخت این نماینده لایق بورژوازی را یاری کرد که به این ریسک دست بزند!

بورژوازی و تحلیلگرانش، مانع اجرای این برنامه در دو دهه گذشته را، نگرانی گسترده از بحرانی شدن وضعیت اقتصاد ایران و وقوع بحران های اجتماعی و سیاسی ارزیابی می کردند. تحلیلگران اقتصادی مجلس گفتند که اگر روند آزاد سازی قیمت ها با شیب تند اجرا شود، امکان شوک تورمی و هجوم مردم به فروشگاه ها و حتی نا آرامی های اجتماعی و سیاسی وجود دارد.

اما این اتفاق نیفتاد. چرا؟

عوامل متعددی دست به دست هم دادند و زمینه را برای این تعرض به طبقه کارگر فراهم کردند.

ازجمله:

شکست های پی در پی بورژوازی غرب و در راس آن آمریکا در عرصه ابرقدرتی اقتصادی و سیاسی در جهان، شکست نظامی در عراق، خاورمیانه و افغانستان، زبونی و تسلیم اپوزیسیون ناسیونالیست بورژوازی در برابر ناسیونالیسم دولت احمدی نژاد، شکست جنبش اصلاح جمهوری اسلامی در قبال خاتمی و موسوی، عروج جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه ای که در مقابل غرب و آمریکا قد علم کرده است، چشم انداز اتمی شدن ایران، ماشین بی وقفه سرکوب جمهوری اسلامی،



و عدم آمادگی طبقه کارگر بدلیل نبود اتحاد و تشکل و وجود تفرقه در صفوفش، آنهم به دلیل ضعف کمونیسم کارگران و...، همگی از پیش زمینه های تعرض بورژوازی به طبقه کارگر و اجرای طرح های اقتصادی پشت سرهم و از جمله سیاست حذف یارانه ها است.

در مقابل این واقعیات تلخ، علیرغم تهدیدها و پیش بینی های تحلیلگران منتقد حذف یارانه ها و نگرانی هایشان از ایجاد تشست و هرج و مرج و شورش های اجتماعی و غیره، از پیش معلوم بود که طبقه کارگر و زحمتکشان و حقوق بگیران جزو، توانایی مقابله با دولت سرمایه داران و مجری قانون حذف یارانه ها را ندارند.

در چنین فضا و موقعیتی طبقه سرمایه دار ایران به یکی از موفقیت های تاریخی خود دست یافته است. اینک این قانون اجرا شده و ایران در شمار کشورهای قرار گرفته است که سیاست پرداخت یارانه مستقیم به کالا و خدمات را کنار گذاشته است. ایران اکنون مانند هر کشور سرمایه داری دیگر در جهان بهشت بازار آزاد قیمت ها و کار ارزان تر (به نسبت نان و آب با قیمت ۴ برابر تا بنزین و گازوئیل از ۷ تا ۲۰ برابر در مقایسه با قیمت های سابق)، شده است.

حذف سوبسیدها یک شکست برای طبقه کارگر ایران و کل زحمتکشان و حقوق بگیران جزو است.

آیا پرداخت ناچیزی یارانه نقدی بخشی از این ضرر را جبران کرده و می کند؟

جواب این سوال منفی است. علاوه بر عدم اطمینان از تداوم این به اصطلاح کمک یا یارانه نقدی که فقط در صدی از یارانه های سابق است، این وجه نقد در مقابل افزایش سرسام آور قیمت ها و تورمی که در پیش است عملاً ناچیز است و درد هیچ خانواده کارگری را درمان نمی کند.

آیا این تعرض و شکست قابل جبران است؟

جواب این سوال می تواند مثبت باشد. اما این کار با نشستن در انتظار رشد و تحول اقتصادی، یا رونق بازار آزاد قیمت ها، یا رقابت در بخش خصوصی و مدیریت کردن درست و کنترل و مهار تورم و غیره، ممکن نمی شود. هر کدام از اقدامات و تمهیدات فریبکارانه بورژوازی و یا موفقیتشان در همه آن سیاست ها و

عرصه ها، جز با ارزان تر نگه داشتن دستمزدها و گران فروختن تولیدات و نیازهای ضروری خانواده های کارگری و مردم زحمتکش و صد البته با تشدید سرکوب و خفقان و ارباب ممکن نیست.

طبقه کارگر ایران وارد یک مصاف جدید با طبقه بورژوازی شده است. مصافی که اساساً بر دوش او قرار گرفته است. توکل به جنبش های بورژوایی و خرده بورژوایی و یا دعوای جنبش سبز و سیاه و یا هر ناجی دیگری، طبقه کارگر را به موقعیت دشوار و دردناک تری می رساند.

طبقه کارگر برای وارد شدن به این مصاف و برای جبران خسارات و تعرض به سفره اش و تعرض به دستمزد و نیاز های حیاتی خانواده هایش باید خود را سازمان دهد.

باید اتحاد طبقاتی اش را تامین کند. باید شائبه های توهم و توکل و انتظار و گرد و خاک تحلیل و تفسیرهای اقتصادی بورژواها و اپوزیسیون بورژوایی راست و چپ را از خود بتکاند. باید تشکل های توده ایش را سازمان دهد. سندیکاها و مجامع عمومی اش را سازمان دهد و حزب کمونیستی اش را در درون خود بسازد. کارگران کمونیست کمیته های کمونیستی کارخانه را بسازند.

طبقه کارگر با خودآگاهی طبقاتی و با اتحاد و تشکل و با آمادگی، می تواند وارد مصاف دوره کنونی و آتی با طبقه متخاصم و متعرض بورژوازی بشود. بورژوازی حاکم در ایران هیچگاه به اندازه امروز از اعتماد به نفس برای یکه تازی و تعرض بی محابا به طبقه کارگر برخوردار نبوده است. این قدرت را تنها سرکوب برایش تامین نکرده است. توهم و فریب از طرفی و ضعف خودآگاهی طبقاتی طبقه کارگر و انتظار ناجی از بیرون طبقه و در میان اقشار دیگر اجتماعی، در خیابان و یا در خارج از مرزها و... این شانس را به بورژوازی ایران بخشیده است.

با جبران این ضعف و با کنار زدن هر گونه توهم و خودفریبی، با اعتماد به خود و اتکا به مبارزه طبقاتی و صرفاً مبارزه طبقاتی طبقه کارگر، ماشین تعرض و سرکوب بورژوازی هم ناتوان و ناکارا خواهد شد. تنها در چنین توازن قوایی و در نتیجه یک مبارزه طبقاتی پیروزمند است که اقشار دیگر جامعه، زحمتکشان،

زنان اسیر آپارتاید جنسی و جوانان آرزومند خلاصی فرهنگی هم، شانس نفس کشیدن در فضای آزاد و در امنیت و حفظ حرمت انسانی را خواهند داشت.

وظیفه تغییر توازن قوای طبقاتی به نفع طبقه کارگر بر دوش کارگران سوسیالیست و کمونیست و فعالین و رهبران کارگری و حزب شان افتاده است. پیشروی در این زمینه، در گرو سازماندهی یک مبارزه اقتصادی پیگیر و سراسری و کسب خواستهایی است که بخشاً توسط فعالین کارگری تحت عنوان مطالبات حداقلی کارگران طرح شده است.

یارانه ها حذف شده اند. سرنوشت طبقه کارگر و خانواده هایش به دستان حریص و طمعکار سرمایه داران و بازار آزاد قیمت ها سپرده شده است. بازاری که از امروز و فردا سگ صاحبش را نمی شناسد.

در مقابل این وضعیت، فعالین و رهبران کارگران و کارگران کمونیست و سوسیالیست و کمیته های کارخانه باید طبقه بورژوازی را در مقابل این سوال قرار دهند که، حالا که دست سرمایه داران صنعتی و تجاری و مالی را برای فروش کالاها و خدمات به هر قیمت و با قیمت ۱۰ تا ۲۰ برابر قبلی باز گذاشتید، آیا دستمزد کارگر هم به همین نسبت افزایش می یابد؟

در فصل دستمزدها این مطالبه ای است که طبقه کارگر باید روی میز دولت و سرمایه داران بگذارد. طبقه کارگر نمی تواند با دستمزد چند برابر کم تر از سابق به نسبت افزایش قیمت ها و تورم، چشم به دهان احمدی نژادها بنشیند و ماه به ماه با دلهره منتظر شندرقاز یارانه نقدی شود.

افزایش دستمزدها به نسبت نیاز خانواده های کارگری و به نسبت گرانی و تورم (قیمت های چند برابر دیروز)، خواست فوری طبقه کارگر ایران است. بیمه بیکاری به کارگران بیکار با همین معیار و تحمیل آزادی تشکل و تجمع و اعتصاب... عرصه های ولو قدیمی و دایمی اما در شرایط کنونی نجات بخش طبقه کارگر از زیر تیغی است که بورژوازی بر گلوی طبقه کارگر می فشارد.

ماهانه شندرغاز پول نقد، مرهمی بر زخم و زهر این تیغ نیست. باید با قدرت اتحاد و تشکل این تعرض و فشار را به عقب نشاند.



در حاشیه اخبار و مبارزات کارگری وتوده ای در کردستان

کارگران علیه اعدام!

- مهمترین اتفاق کارگری این هفته اعتراض کارگران اداره برق سنندج به حکم اعدام حبیب لطیفی است. کارگران " اداره برق " شهر سنندج در همبستگی و اعتراض به صدور حکم اعدام حبیب لطیفی شب جمعه ۴ دیماه ۸۹ ساعت نه شب برق سراسری شهر سنندج وحومه را خاموش کردند.

اعتراض کارگران به احکام اعدام، اقدام آزادیخواهانه ای است که می تواند طبقه کارگر را در محور مبارزات اجتماعی و پرچمدار آزادی و برابری در جامعه قرار دهد. این اقدام برای طبقه کارگر تجربه مهم و با ارزشی است و نشان می دهد که اگر طبقه کارگر در مقیاس وسیع و سراسری تری پا به میدان بگذارد، می تواند گام مهمی جامعه را در رسیدن به خواستههای آزادیخواهانه جلو ببرد. این اقدام کارگران اداره برق سنندج قابل تقدیر است.

اعتراض و اعتصاب

- روز ۴ شنبه اول دیماه ۸۹ کارگران و تکه کاران خیاطی ها "ی بوکان در اعتراض به افزایش اندک دستمزدهای خود دست از کار کشیدند. کارگران دستمزدی چند برابر دستمزد تعیین شده را طلب می کنند. این کارگران دارای هیچگونه تشکل و سندیکایی نیستند و از مزایای بیمه نیز محرومند

- روز شنبه ۱۱ دی ماه ۸۹ کارگران اخراجی کارخانه های استک و شاهو در مقابل اداره کار تجمع کردند. کارگران خواستار بازگشت به کار شده و خسارت ناشی از مدت بیکار شدنشان را می خواهند.

- همزمان کارفرمای کارخانه " آجر شیل کردستان" ضمن نپرداختن ۵ماه حقوق معوقه کارگران، ۱۵ نفر دیگر از کارگران شاغل این کارخانه را اخراج کرده است.

- طی یکماه گذشته ۳۰۰ نفر از کارگران پروژه ساخت سد "آزاد به تیر" در محلی بین شهرهای سنندج و مریوان از کار اخراج شده اند. در این پروژه ۱۲۰۰ کارگر قراردادی مشغول به کار هستند.

همچنین کارگران "کشتارگاه دام کردستان" وابسته به استانداری به اعتراض به اخراج ۳۰ تن از همکارانشان از شامگاه روز دوشنبه ۶ دیماه ۸۹ اعتصاب کردند. کارگران با تجمع در جلو استانداری خواستار بازگشت به کار همکاران شدند و نمایندگی استانداری ۳ روز مهلت خواسته که به خواستشان پاسخ دهد.

اعتراض کارگران و مبارزه علیه اخراج و برای بازگشت به کار در مراکز فوق ادامه دارد. کار قراردادی یا بدون قرار داد دست کارفرماها را برای اخراج کارگران باز گذاشته. و این در حالی است که در اغلب مراکز کارگری با قرارداد موقت یا بدون قرارداد، ضمن نپرداختن به موقع حقوقها، با اخراج کارگران از گرفتن بیمه بیکاری هم محروم اند. کار قراردادی و بدون قرارداد بردگی محض و بزرگ ترین جنایت علیه طبقه کارگر و خانواده های کارگری است. خواست لغو کار قراردادی یا قرارداد سفید امضا یکی از خواستههای طبقه کارگر علیه این بربریت سرمایه داران است.

علیه حذف یارانه ها

- کارگران خبازی های سنندج در پی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها، در تاریخ ۲ دی ماه ۸۹، نامه ای اعتراضی خطاب به ارگان های حکومتی دست اندرکار از جمله "اداره کار و امور اجتماعی، اتحادیه خبازان" و "سازمان بازرگانی استان کردستان" ارسال کرده اند.

در این نامه کارگران نسبت به کاهش دستمزد خود به دلیل اجرای قانون فوق هشدار داده اند و با توجه به افزایش درآمد صاحبان نانوايي ها خواستار افزایش و تعیین دستمزد جدید شده اند.



این مبارزه طبقاتی را تحلیلگران اقتصادی بورژوازی در بحبوجه رقابت هایشان تحت عنوان هر ج و مرج و آشوب به رخ همديگر می کشند. و دولت احمدی نژاد هم خونریزی این جراحی اقتصادی بر بدن طبقه کارگر را با عوامفریبی یارانه های نقدی و همزمان تهدید و سرکوب لاپوشانی می کند.

طبقه کارگر در مقابل همه این تمهیدات و تلاش های سرمایه داران و دولت برای کسب سود بیشتر با کار ارزان تر، با مبارزه طبقاتی بی امانی روبرو است. هر گام موفقیت طبقه کارگر، در گرو اتکا به نیروی خود، خودآگاهی طبقاتی و اتحاد و تشکل توده ای و حزبی اش است.



- روز یکشنبه ۲۸ آذر ۸۹ رانندگان تاکسی در شهر دیواندره علیه افزایش قیمت گاز و بنزین دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با تهدید و دخالت عوامل رژیم به پایان رسید.

- رانندگان تاکسی در شهر بوکان در روزهای ۲۹ آذر ماه و اول دیماه ۸۹ در اعتراض به افزایش قیمت گاز و بنزین دست از کار کشیدند و در برابر ساختمان اتحادیه تاکسیرانی این شهر تجمع و اعتصاب کردند. با دخالت ماموران رژیم، اجتماع رانندگان پایان یافت

- روز پنجشنبه ۲ دیماه بیش از یکصد نفر از رانندگان آژانس های تاکسی تلفنی شهر بانه در اعتراض به افزایش قیمت سوخت دست به اعتصاب و تحصن زدند و خواستار بازگشت قیمت سوخت به میزان قبلی شدند. این تجمع اعتراضی با وعده های فرماندار شهر و دخالت نیروهای انتظامی به پایان رسید.

به این ترتیب اولین جرقه های اعتراض به اجرای قانون حذف یارانه ها زده می شود. افزایش قیمت ها، گرانی و تورم ناشی از آن میلیون ها خانواده کارگری و مردم زحمتکش در سراسر ایران را تهدید می کند. دولت سرمایه داران با سیاست فریبکارانه های نقدی می خواهد این خطر را کم اهمیت جلوه داده و همزمان نسبت به هرگونه اعتراض به حذف یارانه ها هشدار می دهد و تهدید می کند. این تازه اول کار است.

جانباختن یک کارگر

روز ۳ شنبه ۳۰ آذرماه ۸۹ "قانع شریفی" کارگر ساختمانی در شهر سنندج هنگام نصب آسانسور در یکی از ساختمان های در دست احداث، به دلیل عدم ایمنی کار، از بلندی سقوط کرد و جان باخت. از این جنایات ناشی از ناامنی محیط کار روزمره در مراکز کارگری اتفاق می افتد. جان کارگر در مقابل سود سرمایه ناچیز است. طبقه کارگر باید به این بربریت سرمایه داری خاتمه دهد. جانباختن قانع شریفی را به خانواده او و همکاران و همقطاران تسلیم می گوئیم.

دستگیری و بازداشت ها در سنندج

آخرین خبرها در خصوص وضعیت بازداشت شدگان در خانه پدر حبیب لطیفی از شهر سنندج حاکی است که حمید ساعدی، سمین چایچی، زاهد مرادیان، واحد مجیدی، رحیم لقمانی و ۳ برادر حبیب "ایرج، اقبال و امید لطیفی" پس از محاکمه هر کدام با قرار وثیقه های ۱۵ و ۲۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده اند. اما هنوز از وضعیت فعال کارگری "پدرام نصراللهی" دیگر بازداشتی، اطلاعی در دست نیست.

در ادامه موج گسترده بازداشت ها به دنبال اعتراضات گسترده علیه اعدام و برای ایجاد ارعاب در میان مردم شهر سنندج، تعدادی دیگر از فعالین سیاسی، مدنی، از جمله رحیم لقمانی، ناصح نقشبندی، دلیر اسکندری، افشین شیخ الاسلامی وطنی، یحیی قوامی و هیوا مسعودی در حمله های جداگانه در این شهر بازداشت شدند. همزمان با خواست لغو حکم اعدام و از جمله اعدام حبیب لطیفی، کارگران و مردم مبارز سنندج و دیگر شهرهای کردستان خواستار آزادی همه دستگیر شدگان هستند.

احکام اعدام و زندان

علاوه بر حبیب لطیفی و حبیب گلپری پور، تعداد بیشتری از زندانیان جمهوری اسلامی در کردستان احکام اعدام گرفته اند. زانیار و لقمان مرادی از مریوان رضا شریفی اهل بوکان و مصطفی سلیمی در زندان شهر سقز از جمله محکومین به اعدام هستند. وضع جسمی و سلامت تعدادی از این زندانیان بحرانی و در خطر است.

همچنین مدتی از دستگیری و زندان رحمان و علی اسماعیل زاده دو فعال فرهنگی در بوکان می گذرد و از محل زندان جمال کریمی "اهل روستای "دزلی" مریوان هنوز اطلاعی در دست نیست.

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال فرصت است تا در فضای ارعاب و توازن قوای مساعد خودش، دسته دسته زندانیان سیاسی را اعدام کرده و بازداشت شدگان را بابت تکلیف در زندانهایش نگه دارد. جلو این بربریت و کشتار و قتل عمد و این جنگ فرسایشی جمهوری اسلامی علیه مردم آزادیخواه را باید گرفت.

تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

اکتبر روز دوشنبه هر دو هفته یکبار منتشر میشود
آدرس ایمیل تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:
mozafar.mohamadi@gmail.com
سر دبیر:
مظفر محمدی
سایت اکتبر:
www.oktoberr.org

تماس با دبیر کمیته کردستان
عبدالله دارابی:
darabiabe@yahoo.com
روابط عمومی کمیته کردستان
سالار کرداری
Rawabet.omumi.k@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۰۱۹۴۵۰۳

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی